



بررسی رابطه توانمندسازی اعضای تعاونی‌های کشاورزی و تولیدی روستایی و کشاورزی پایدار (مطالعه موردی: شهرستان ابرکوه)

حجت رضایی

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

h.rezaie1367@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۳

چکیده

توسعه پایدار و مستمر هر کشوری وابسته به پایداری نظام کشاورزی آن است؛ بنابراین، دستیابی به نظام کشاورزی پایدار، یکی از سیاست‌های مهم بخش کشاورزی کشورها است که نه تنها موجبات امنیت غذایی، کسب درآمدهای ارزی و استقلال سیاسی و اقتصادی در سطح کلان را فراهم می‌آورد؛ بلکه در سطح محلی نیز باعث توسعه می‌گردد. از این رو هدف از پژوهش حاضر، تحلیل رابطه توانمندسازی اعضای تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی شهرستان ابرکوه و رعایت اصول کشاورزی پایدار در این شهرستان می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بوده که آمار و اطلاعات آن از طریق روش‌های میدانی به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰۰۰ عضو تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی منطقه مورد مطالعه می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران در سطح خطای ۰/۰۵، نمونه‌ای به حجم ۳۴۱ نفر تعیین شده است. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از آزمون تی تک نمونه‌ای و ضریب پیرسون استفاده گردیده است. نتایج تحقیق بر اساس آزمون‌های آماری مورد مطالعه نشان می‌دهد که اثرگذاری توانمندسازی جامعه آماری بر رعایت اصول کشاورزی پایدار در شهرستان ابرکوه معنادار و بین این دو متغیر در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، کشاورزی پایدار، تعاونی، شهرستان ابرکوه

۱. مقدمه

از آنجا که از جمله مهمترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، پایین بودن میزان تولید و بهره‌وری در بخش کشاورزی، دامنگیر شدن فقر روستایی و عقب‌ماندگی تاریخی روستاها و نیز در برداشتن جمعیت فراوان روستایی و کشاورز هستند، دولتمندان در این کشورها باید به طور جدی جهت رفاه مردم خود، بر تنها راه فائق آمدن بر مشکل فقر و دستیابی به امنیت یعنی توسعه درست و پایدار کشاورزی تأکید کنند (Christou, 2005: 232). به دیگر سخن، بخش چشمگیری از جمعیت کشورها در مناطق روستایی سکونت دارند و شغل اصلی آن‌ها کشاورزی است؛ بنابراین، دستیابی به توسعه روستایی بدون توجه به بخش کشاورزی و تغییر در وضعیت این بخش (توجه به کشاورزی پایدار) ممکن نخواهد بود (Daizavandi et al 2010: ۶۳). پس از انتشار گزارش برانت لند تحت عنوان آینده مشترک ما در سال ۱۹۸۷ و نقطه اوج آن در سال‌های ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو و ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ، تعاریف مختلفی از پایداری و کشاورزی پایدار ارائه شد (Gafsi et al, 2006: 227). بنا به این گزارش چهارچوب مفهوم توسعه پایدار بر تعلق آینده به همه ما و برابری بین نسل‌ها استوار است و یکی از جنبه‌های مهم آن، کشاورزی پایدار است که نه تنها نیازهای آتی مربوط به افزایش تولید بلکه کیفیت محیط‌زیست و آب و خاک را نیز حفظ می‌نماید (رضائی مقدم، ۱۳۸۵: ۵۵). در واقع توسعه کشاورزی به عنوان کانون و محور اصلی توسعه روستایی و به تبع آن توسعه کشور، از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، که سهم ۲۰ درصدی از تولید ناخالص ملی و همچنین بخش عمده‌ای از صادرات غیر نفتی تبیین کننده این جایگاه است (حاجی رحیمی و ترکمانی، ۱۳۸۲: ۷۲). از سوی دیگر مهمترین و اساسی‌ترین مبحث در زمینه‌ی ارتباط کشاورزی و روستا، نقش و وظیفه‌ی کشاورزی به عنوان فعالیت اقتصادی اصلی و عمده‌ی روستایی است (نوری و امینی فسخودی، ۱۳۸۶: ۶۳)، به طوری که بیش از ۸۷ درصد منابع تأمین امنیت غذایی در مناطق روستایی جای دارد (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۸۳). از این رو بستر فعالیت‌های کشاورزی، یک محیط و فضای جغرافیایی به نام فضای روستایی است که در جهت بهره‌گیری صحیح و پایدار از بنیان‌های کشاورزی، توجه به این مناطق بسیار مهم و حیاتی است.

در این ارتباط می‌توان گفت امروزه رویکرد جدیدی در توسعه کشاورزی پایدار مطرح است که از آن میان رویکرد توانمندسازی به خاطر ارتقاء ظرفیت‌های شناختی کشاورزان، ارتقاء کارایی کشاورزان، ارتقاء اثربخشی کشاورزان و غیره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حیدری ساربان، ۱۳۹۲: ۱۵۶). امروزه توانمندسازی زبان مدیریت بالاخص مدیریت توسعه کشاورزی محسوب می‌شود. به عبارتی در عرصه توسعه کشاورزی با توانمندسازی که مدیریت بهتر را در بخش کشاورزی به همراه دارد، می‌توان به توسعه کشاورزی پایدار با افزایش قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی کشاورزان شتاب بیشتری بخشید (Hansen, 2005: 1-10). بنابراین با توجه به موارد اعیان گردیده افزایش و تأمین پایدار مواد غذایی، امنیت غذایی و ارتقاء بهره‌وری کشاورزی حاصل از کشاورزی پایدار مستلزم افزایش کارایی، اصلاح ساختار مدیریتی و بهینه‌سازی کشاورزان با افزایش توانایی تصمیم‌گیری، خلاقیت، ریسک‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، برقراری ارتباط و فرد شناسی و در یک کلام توانمندسازی کشاورزان میسر می‌باشد (Ivens, 2010: 23). در این راستا تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. چرا که تعاونی‌ها از طریق آشنا ساختن اعضا با روش‌های نوین کشاورزی،

آموزش روش استفاده صحیح از ماشین‌آلات کشاورزی متناسب با شرایط محلی و فراهم نمودن امکانات و تسهیلات بیشتر برای توسعه باعث افزایش توانایی تصمیم‌گیری، خلاقیت و ریسک‌پذیری کشاورزان می‌گردد. از سویی تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی سبب رونق کسب و کار و ایجاد بسترهای مناسب جهت افزایش صادرات کالا و محصولات تولیدی نیز می‌شوند که این امر نیز موجب ارتقای توانمندی و ترغیب جامعه روستایی به کشاورزی می‌گردد. علاوه بر این تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی از طریق آموزش افراد نقش مهمی در حفظ محیط‌زیست، حفاظت خاک، کاهش آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی و بهبود کیفیت مواد غذایی که از مشخصه‌های کشاورزی پایدار است، ایفا می‌کند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۶۵). از این رو با توجه به اهمیت دستیابی به کشاورزی پایدار در توسعه و همچنین نقش حساس توانمندسازی در دستیابی به کشاورزی پایدار، پژوهش حاضر با هدف تحلیل رابطه توانمندسازی اعضای تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی شهرستان ابرکوه و اصول کشاورزی پایدار گردآوری گردیده است. چرا که تعاونی‌ها از سازوکارهای کلیدی حمایت از توانمندسازی کشاورزان و پایگاه فعالیت‌های مشترک آن‌ها محسوب می‌گردند. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با توجه به موارد بیان شده به سؤالات زیر پاسخ دهد.

- ۱- آیا اثرگذاری توانمندسازی اعضای تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی شهرستان ابرکوه بر رعایت و مطلوبیت اصول کشاورزی پایدار در این شهرستان معنادار می‌باشد؟
- ۲- بر حسب معناداری اثرگذاری توانمندسازی بر کشاورزی پایدار در شهرستان ابرکوه، تاثیر توانمندسازی بر هر یک از ابعاد کشاورزی پایدار به چه میزان می‌باشد؟
- ۳- بین توانمندسازی روستاییان عضو تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی شهرستان مورد مطالعه و رعایت اصول کشاورزی پایدار چه نوع رابطه‌ای وجود دارد؟

۱-۱ پیشینه تحقیق

در زمینه سنجش فرایند توانمندسازی و همچنین تأثیر آن بر توسعه کشاورزی و ارتقاء پیش‌زمینه‌های کشاورزی پایدار مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است که در ادامه به چندی از این مطالعات اشاره می‌گردد:

هاگارت^۱ و بولر بر این عقیده‌اند که کشاورزان توانمند با خصوصیات رفتاری نظیر داشتن دیدگاه مثبت به کار، اعتماد به نفس بالا، مصمم بودن و پیگیری در انجام کارها، داشتن قابلیت انطباق و انعطاف با شرایط متغیر محیطی، پیش‌قدمی در کارهای گروهی، اشتیاق برای یادگیری و به دست آوردن اطلاعات نو و جدید، تلاش برای فرصت، اعتقاد به وجود نداشتن کار غیرممکن، نوآوری، ابتکار و خلاقیت، تمایل به ایجاد تنوع، احساس پیشرفت در قبال نتایج کار خود کنترل، برشمردن خود به عنوان فردی از گروه، قادر بودن به استفاده از تمام مهارت‌ها و توانمندی‌های خود، و ریسک‌پذیر بودن، به توسعه کشاورزی شتاب بیشتری می‌بخشند (Richardson, 2006, 8). یافته‌های تجربی استوری^۲ نشان می‌دهد که توانمندسازی علاوه بر اینکه انگیزش و رضایت شغلی را برای کشاورزان به ارمغان می‌آورد، به ارتقای دانش آن‌ها نیز منجر می‌شود. کشاورزان در سایه دانش به خوبی از عهده کار و وظایفشان بر می‌آیند و به دنبال آن اعتماد به نفس بیشتری کسب می‌کنند

1. Hagart

2. Storey

(Storey, 2007: 3-6). تجربیات جهانی نشان می‌دهد که عدم توانمندسازی و نبود زیرساخت‌های سیاسی و اجتماعی مناسب در مناطق روستایی از موانع عمده تحقق مشارکت و توسعه کشاورزی محسوب می‌شود (Wang, 2005: 453). اسپریتزر و ربرت^۱ دریافته‌اند که کشاورزانی که عزت نفس پایینی دارند احساس منفی نسبت به شغل خود دارند و در رسیدن به هدف ناکام می‌مانند (Andrews, 2007: 5). گیکز^۲ دریافت کشاورزان توانمند در مواجهه با مشکلات بهتر عمل می‌کنند و تلاش و مقاومت بیشتری از خود برای مبارزه با اوضاع دشوار به خرج می‌دهند. اوزر و باندورا^۳ دریافته‌اند که رابطه‌ای مستقیم بین حس توانمندی و انتظارات نهایی در نیل به اهداف در بین کشاورزان وجود دارد. لوک^۴ و همکاران معتقدند ارتباطی مستقیم بین توانمندی و عملکرد بالا در بین کشاورزان وجود دارد (Dwettink et al 2004: 3-12). کوتی بر این عقیده است که توانمندسازی کشاورزان منجر می‌شود تا اشتغال‌زایی، امنیت غذایی، بهداشت، اشتغال، حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی در مناطق روستایی محقق شود (Coetee, 2004: 31). به زعم فورستر، توانمندسازی از اصلی‌ترین عوامل کاهش فقر در مناطق روستایی محسوب می‌شود (Forrester, 2005: 67). به باور اوانس^۵، بروز اختلال در روند توسعه کشاورزی از عدم توانمندسازی ناشی می‌شود و در صورت توانمند شدن کشاورزان، هر یک از آن‌ها، بدون هیچ ایراد و نقصی در مقابل محرک‌ها واکنشی مناسب و معقولی از خود نشان می‌دهند (Evans, 2003: 35).

۲. مبانی نظری پژوهش

در راستای تدوین و ارائه چهارچوب نظری تحقیق لازم است برخی واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق از جمله توانمندسازی و کشاورزی پایدار تعریف و تبیین شوند. نظر به اهمیت این موضوع، برخی از تعاریفی که انطباق بیشتری با اهداف تحقیق حاضر داشته‌اند، ارائه می‌گردد.

۲-۱ توانمندسازی

مفهوم توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید، اما در دهه ۱۹۹۰ علاقه زیادی به آن در میان پژوهشگران، دانشگاهیان و دست‌اندرکاران مدیریت و سازمان‌ها به وجود آمد (Spreitzer, 1995: 1450). در برخی منابع توانمندسازی به معنای ایجاد محیطی می‌باشد که توسعه دهنده ظرفیت افراد برای ارتقای شرایط کاری، زندگی و توانایی مشارکت در زندگی اجتماعی باشد (Nepal Human Development Report, 2001). به طور کلی توانمندسازی مفهومی چند بعدی است که برای افراد مختلف، معانی متفاوتی دارد که بیشتر به قادر ساختن افراد به حل مشکلات، برخورداری از شایستگی‌های مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های شغلی، افزایش اعتماد و ارتقای عزت نفس (سودمند و همکاران، ۱۳۸۶: ۷) استقلال در

1. Spreitzer & Robert

2. Gecas

3. Ozar & Bandura

4. Locke

5. Baver Evans

انجام وظیفه و کنترل کار شخصی (محدث کسایی، ۱۳۸۷: ۱۷) معنی پیدا می‌کنند و شامل آماده‌سازی نیروی کار با درجه بالاتری از انعطاف‌پذیری جهت تصمیم‌گیری در ارتباط با کارشان است (آبتین و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵).

عوامل مؤثری از دیدگاه‌های متفاوتی برای توانمندسازی ارائه گردیده است از مهمترین این دیدگاه‌ها، دیدگاه اسپریتزر جرجن (۱۹۹۲) می‌باشد. به باور وی عوامل اصلی مؤثر بر توانمندسازی عبارتند از:

عوامل فردی: تحصیلات، سابقه کار، جنسیت، نژاد، کانون کنترل درونی و عزت نفس؛

عوامل گروهی: اثربخشی گروه، اهمیت گروه، اعتماد درون گروهی، ادراک افراد گروه نسبت به تأثیرشان بر مدیران؛

عوامل سازمانی: ابهام در نقش، دسترسی به منابع، حیطه کنترل، دسترسی به اطلاعات، حمایت اجتماعی سیاسی، جایگاه فرد در سلسله مراتب سازمانی و جو مشارکتی واحد کار (Ziaee, 2008: 67). از نظر ویلیام (۱۹۹۱) چندین عامل برای تسهیل توانمندسازی روستاییان برشمرده شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- ارزیابی مثبت از خود، ۲- تمایل برای توانمند شدن، ۳- آگاهی از توانایی‌های بالقوه خود، ۴- کسب اعتماد به نفس، ۵- کسب انگیزه، علاقه و اشتیاق، ۶- شناخت عواطف و احساسات شخصی و کسب قدرت کنترل و هدایت آن‌ها (Fazelbaigi, 2009: 42).

در یکی از بهترین مطالعات انجام شده در زمینه توانمندسازی توسط اسپریتزر در سال ۱۹۹۲، چهار بعد برای توانمندسازی شناسایی شد. بعدها براساس مطالعات میسرا در سال ۱۹۹۲، یک بعد دیگر نیز به آن افزوده شد و پنج بعد کلیدی توانمندسازی شکل گرفت. هنگامی که مدیران بتوانند این پنج بعد را در کارکنان پرورش دهند، آنان را با کامیابی توانمند ساخته‌اند (میسرا و همکاران، ۱۹۹۸: ۵۶۷).

پنج بُعد کلیدی توانمندسازی عبارت است از:

۱. احساس خود اثربخشی^۱ یا شایستگی^۲؛ احساس شایستگی به این معنا است که کارکنان اعتقاد دارند مهارت و توانایی لازم را برای انجام کارهای خود دارند. وقتی افراد توانمند می‌شوند، احساس خود اثربخشی می‌کنند؛ یا اینکه احساس می‌کنند قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار را دارند. افراد توانمند شده نه تنها احساس شایستگی، بلکه احساس اطمینان می‌کنند که می‌توانند کار را با کفایت انجام دهند. آنان احساس برتری شخصی کرده و معتقدند که می‌توانند برای رویارویی با چالش‌های تازه بیاموزند و رشد یابند (وتن و کمرون^۳، ۱۳۸۳: ۲۴).

۲. احساس خودسامانی^۴ و خودتعیینی؛ هنگامی که افراد به‌جای اینکه با اجبار در کاری درگیر شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه در وظایف خویش درگیر شوند، احساس خودسامانی می‌کنند (Sigler & Pearson, 2000: 9).

۳. پذیرفتن شخصی نتیجه و تاثیر؛ افراد توانمند احساس کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می‌توانند با تحت تاثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می‌کنند، یا نتایجی که تولید می‌شود، تغییر ایجاد کنند. پذیرفتن شخصی نتیجه، عبارت است از "اعتقادات فرد در یک مقطع مشخص از زمان در مورد توانایی‌اش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب". داشتن احساس پذیرفتن شخصی نتیجه، کاملاً به احساس خودکنترلی مربوط است برای اینکه افراد احساس توانمندسازی

1. Self-Efficacy

2. Sense of Competence

3. Watten and Cameron

4. Self Determination

کنند، آنان نه تنها باید احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند اثری به‌دنبال دارد، بلکه باید احساس کنند که می‌توانند آن اثر را به‌وجود آورند (وتن و کمرون، ۱۳۸۳: ۲۸).

۴. معنی‌دار بودن^۱؛ کارمندان برای مقصود و یا اهداف فعالیتی که به آن اشتغال دارند، ارزش قائل می‌شوند و استانداردهای ذهنی‌شان را با آنچه که در شغل خود در حال انجام دادن هستند، متجانس می‌کنند. به‌عبارت دیگر، احساس معنی‌دار، بودن یک نگرش ارزشی است که از متجانس بودن آرمان‌ها و ارزش‌های افراد و آنچه که در حال انجام دادن هستند، حاصل می‌شود (وثوقی و حبیبی، ۱۳۹۳: ۱۸).

۵. اعتماد^۲؛ سرانجام افراد توانمند دارای حسی به‌نام اعتماد هستند و مطمئن هستند که با آنان منصفانه و یکسان رفتار خواهد شد، این افراد، این اطمینان را حفظ می‌کنند که حتی در مقام زیردست نیز نتیجه‌نهایی کارهایشان منصفانه خواهد بود. معمولاً معنی این احساس، آن است که آنان اطمینان دارند که صاحبان قدرت به آنان آسیب یا زیان نخواهند زد و با آنان بی‌طرفانه رفتار خواهد شد. به‌بیان دیگر، اعتماد به‌معنی داشتن احساس امنیت شخصی است (وتن و کمرون، ۱۳۸۳: ۲۸).

۲-۲ کشاورزی پایدار

کشاورزی پایدار، توسعه سیاست‌ها و عملیاتی است که توانایی مردم را برای تولید غذا و پوشاک تضمین کرده، وضعیت اقتصادی و تجاری کشاورزی و ارزش‌های اجتماعی را حفظ می‌کند، بی‌آنکه سبب تخریب منابع طبیعی شود. هدف کشاورزی پایدار اعمال مدیریت موفق بر منابع پایدار کشاورزی یا به عبارتی تطابق زیست‌محیطی بوده تا بتواند نیازهای متغیر انسانی را در حال و آینده برطرف کند و درآمد خانوار را در بلندمدت ارتقا بخشد، در صورتی که اقتصادی‌ترین و سودمندترین نحوه استفاده از انرژی و تبدیل آن به تولیدات کشاورزی، سبب تخریب حاصلخیزی خاک و کیفیت محیط‌زیست نشود (حسینی و شریعتی، ۱۳۸۲: ۲۶؛ مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۸۶). در جمع‌بندی تعاریف فوق، بسحاق به نقل از نوری بیان می‌کند که توسعه‌ی پایدار کشاورزی عبارت است از: دستیابی به حداکثر عملکرد کشاورزی با استفاده از مجموعه منابع مؤثر در کشاورزی، مشروط بر اینکه از طریق این کشاورزی، منبعی تخریب نشود یا هدر نرود و هیچ بخشی از جامعه، اعم از جامعه‌ی کنونی و نسل‌های آینده زیان نیند (بسحاق، ۱۳۹۰: ۶۳). این چنین کشاورزی در دراز مدت کیفیت محیط و منابع طبیعی را ارتقا می‌دهد، غذا و پوشاک انسان را تأمین می‌کند، از نظر اقتصادی پویایی دارد و کیفیت زندگی کشاورز و کل جامعه را افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت کشاورزی پایدار به تعادل اقتصادی، اکولوژیکی و فرهنگ روستایی با یکدیگر تأکید دارد (علیپور و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۳). دسیلوا و همکارانش^۳ (۲۲۷: ۲۰۰۱) معتقدند: کشاورزی پایدار رویکردی برای تضمین پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. از این رو یک مزرعه‌ی پایدار باید هم به اهداف اقتصادی و هم به اهداف زیست‌محیطی بدون از دست دادن جنبه‌ای از جنبه‌های اجتماعی (مانند خانواده و رفاه جامعه و کیفیت زندگی، سلامتی انسان، نیروی کار، مدیریت مورد نیاز و غیره) دست یابد (Den Biggelaar et

1. Meaning

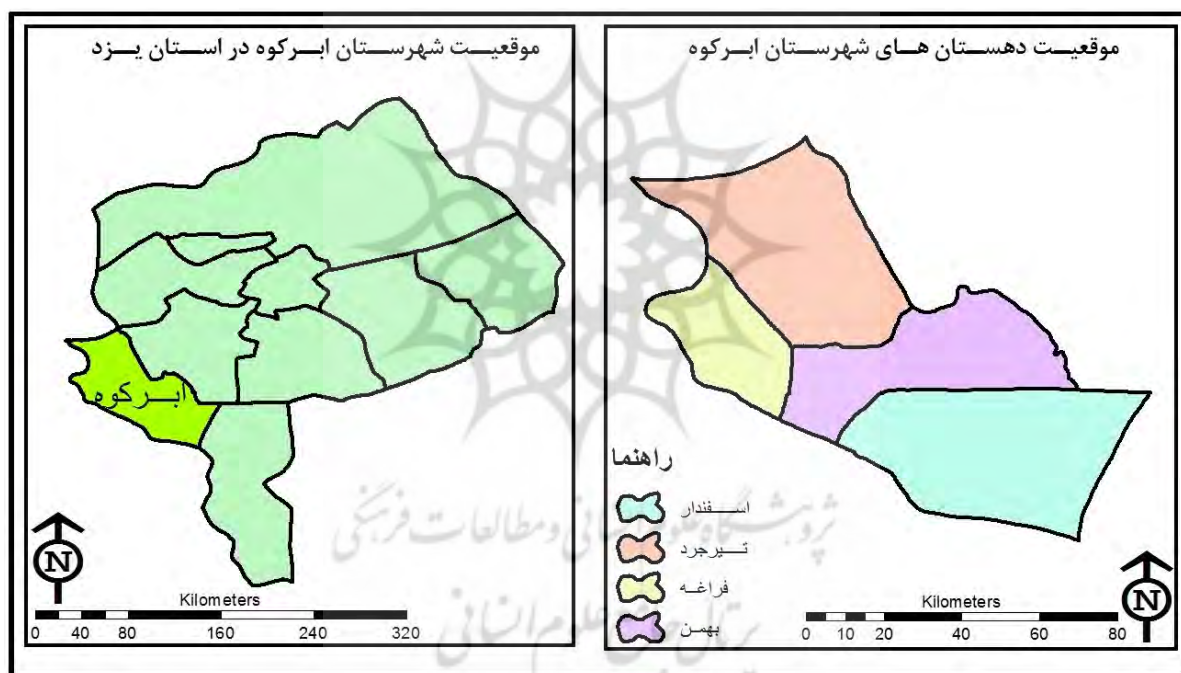
2. Trust

3. D Silva et al

347: 2000). بنابراین سه هدف اصلی کشاورزی پایدار را می‌توان بهره‌وری اقتصادی، کیفیت زیست‌محیطی و مسئولیت اجتماعی بیان کرد (کریمی و همکاران، ۲۰۰۸: ۸۸۳) که باید به صورتی متعادل در کنار یکدیگر قرار گیرند.

۳. منطقه مورد مطالعه

شهرستان ابرکوه با مساحت ۵۶۴۱ کیلومتر مربع در حد فاصل ۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی در غرب استان واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان تفت، از شمال غرب به استان اصفهان از شرق به شهرستان مهریز و از جنوب غرب به استان فارس محدود می‌گردد. شهرستان مورد مطالعه در منطقه‌ای دشتی و در مسیر جاده یزد - شیراز واقع شده و از دو طرف توسط ارتفاعات کوه سفید و قنبره در جنوب شرق و کوه اعلا در شمال غرب محصور شده است. این منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک نیمه کویری می‌باشد. متوسط بارندگی در این شهرستان ۶۸ میلی متر در سال است. جمعیت شهرستان ابرکوه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۴۳۵۹۵ نفر می‌باشد که از این تعداد ۶۶،۵۸ درصد در نقطه شهری و ۳۳،۳۷ درصد ساکن در مناطق روستایی شهرستان می‌باشند.



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (شهرستان ابرکوه)

۴. روش تحقیق

پژوهش پیش رو به لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی و پیمایشی است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بود که روایی محتوایی^۱ آن با کسب نظرهای متخصصان ترویج کشاورزی و اعمال اصلاحات لازم، به تأیید نهایی رسیده است. پایایی پرسشنامه نیز بر اساس آلفای کرونباخ ارزیابی گردیده است که میزان الفا

^۱. Content Validity

برابر با ۰,۸۲ به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی شهرستان ابرکوه می‌باشد. این شهرستان در سال ۱۳۹۵ دارای دو شرکت تعاونی کشاورزی و سه شرکت تعاونی تولید با بیش از ۳۰۰۰ نفر عضو بوده است. بر اساس فرمول اصلاح شده کوکران در سطح خطای ۰,۰۵ درصد تعداد ۳۴۱ نفر جهت انجام پژوهش انتخاب گردیده است. در ادامه پژوهش به منظور سنجش معناداری اثرگذاری توانمندسازی جامعه آماری بر کشاورزی پایدار و سنجش میزان تاثیرپذیری هر یک از ابعاد مرتبط با کشاورزی پایدار از توانمندسازی از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردیده است. در نهایت به منظور سنجش نوع رابطه و میزان رابطه بین توانمندسازی و کشاورزی پایدار در منطقه از ضریب پیرسون استفاده گردیده است. لازم به ذکر است انتخاب گویه‌ها و متغیرهای مرتبط با توانمندسازی و کشاورزی پایدار از طریق مرور اسنادی و مطالعه پژوهش‌های مرتبط صورت گرفته است. از اهم این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۶: ۱۰۴-۸۵؛ تقدیسی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۳۷؛ بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۳۰؛ حسن شاهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۳۵؛ حیاتی و کرمی، ۱۳۷۵: ۶۴۹-۶۳۴؛ ایروانی و دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۳۹-۵۲؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۳-۸۷ و احدیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲۶-۳۱۱ اشاره کرد.

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱ ویژگی‌های فردی

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های افراد جامعه آماری نشان می‌دهد، بیشترین رده سنی افراد پاسخگو ۳۵-۴۵ سال، از ۳۴۱ پاسخ دهنده ۳۱۲ نفر مرد (۹۱,۴۹ درصد) مرد و ۲۹ نفر (۸,۵۱ درصد) زن بوده‌اند. متوسط بعد خانوار این افراد برابر با ۲,۹ نفر می‌باشد. میانگین سرانه اراضی زراعی و باغی در این شهرستان به ترتیب ۲,۸۳ و ۱,۷۴ هکتار می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از درآمد سالانه جامعه آماری مورد مطالعه نشان می‌دهد، میزان درآمد هر فرد طی یک سال به طور متوسط ۱۳۷۹۵۰۰۰ تومان می‌باشد. بر اساس یافته‌ها ۹۷,۶۵ درصد جامعه آماری باسواد و ۲,۳۵ درصد بی‌سواد بوده‌اند. بالاترین رده تحصیلی در بین پاسخگویان رده تحصیلی ابتدایی با میزان ۴۰,۷۶ درصد بوده است.

۵-۲ یافته‌های توصیفی

در این بخش به بررسی توصیفی شاخص‌های توانمندسازی و ابعاد کشاورزی پایدار در بین جامعه آماری پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های توصیفی میانگین تمامی شاخص‌های توانمندسازی بالاتر از سطح متوسط ارزیابی گردیده است که این امر نشان از مطلوبیت شاخص‌های توانمندسازی در منطقه مورد مطالعه دارد. از شاخص‌های توانمندسازی شاخص خودتعیینی با میانگین ۳,۴۲ در بالاترین سطح و شاخص اعتماد با میانگین ۳,۰۷ در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. میانگین شاخص معنی‌داری برابر با ۳,۲۵، میانگین شاخص شایستگی برابر با ۳,۱۸ و میانگین شاخص تاثیر نیز برابر با ۳,۲۲ ارزیابی شده است (جدول ۱).

جدول (۱): سنجش توصیفی شاخص های توانمندسازی در بین پاسخگویان

شاخص	گویه	بازخورد کلی	بازخورد نسبی	بازخورد نسبی	بازخورد نسبی	بازخورد نسبی	بازخورد نسبی	میانگین کل
خودمختاری	خودمختاری	۲۹	۴۴	۱۰۷	۷۹	۷۹	۳	۳,۳۹
	خود آغازگر بودن	۳۰	۶۳	۹۲	۹۱	۶۴	۱	۳,۲۸
	هدایتگر بودن	۴۲	۷۱	۲۹	۸۴	۱۱۵	۰	۳,۴۶
	داوطلبانه به کاری پرداختن	۷۴	۳۱	۷۰	۱۳۰	۳۶	۰	۳,۰۶
مسئولیت پذیری	مسئولیت پذیری	۱۱۵	۳۰	۴۴	۷۱	۸۰	۱	۲,۹۱
	با اهمیت بودن	۴۵	۴۴	۹۱	۱۲۱	۳۵	۴	۳,۱۶
	تفویض اختیار	۹۰	۷	۳۷	۱۳۴	۷۳	۰	۳,۲۷
	یادگیری مداوم	۷۱	۳۱	۱۰۰	۸۸	۴۹	۲	۳,۰۳
تفویض اختیار	مصمم در انجام کار	۶۷	۵۳	۱۱۰	۷۱	۳۸	۲	۲,۸۸
	خلاقیت	۵۲	۲۵	۹۷	۱۲۹	۳۷	۱	۳,۲۱
	خوداتکایی	۲۴	۶۰	۵۹	۱۷۱	۲۸	۰	۳,۳۴
	ریسک پذیر بودن	۳۶	۶۱	۱۴۳	۵۱	۴۹	۱	۳,۰۴
	مسئله یابی	۶۴	۷۶	۸۳	۶۰	۵۲	۶	۲,۸۸
	مشکل گشایی	۲۵	۴۹	۱۴۰	۵۳	۷۳	۱	۳,۲۹
تمرکز بر نتایج	پذیرش رهبری	۲۱	۷۶	۹۹	۸۲	۶۳	۰	۳,۲۶
	تمرکز بر نتایج	۴۱	۶۹	۹۲	۷۵	۶۴	۰	۳,۱۵
	انگیزش درونی	۳۵	۷۹	۴۷	۱۰۶	۷۴	۰	۳,۳۰
	اثربخشی	۳۳	۸۲	۳۷	۱۳۵	۵۴	۰	۳,۲۷
	افزایش ابتکار عمل	۶۴	۵۷	۵۹	۶۰	۱۰۱	۰	۳,۲۲
اعتقاد	پذیرش اجتماعی	۴۷	۴۸	۱۱۲	۹۴	۴۰	۰	۳,۰۹
	میزان تفاهم جمعی	۷۸	۵۶	۴۲	۸۰	۸۵	۰	۳,۱۱
	داشتن نگرش مثبت	۳	۴۸	۲۰۶	۸۴	۰	۰	۳,۰۸
	صداقت	۶	۶۷	۱۲۸	۱۱۱	۲۹	۰	۳,۰۶
	اعتقاد در انجام دادن بهتر کارها به صورت گروهی	۹	۹۷	۱۵۱	۷۵	۹	۰	۲,۹۳

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

همچنین نتایج توصیفی ارزیابی ابعاد کشاورزی پایدار در منطقه مورد مطالعه اولاً نشان می دهد ابعاد پایداری کشاورزی در منطقه مورد مطالعه در سطح پایداری قرار دارد. ثانياً نتایج نشان می دهد که از ابعاد مورد مطالعه بعد اقتصادی کشاورزی پایدار با میانگین ۳,۴۵ در بالاترین سطح پایداری و بعد زیست محیطی با میانگین ۳,۱۸ در پایین ترین سطح پایداری کشاورزی قرار داشته است (جدول ۲).

جدول (۲): سنجش توصیفی ابعاد کشاورزی پایدار در بین پاسخگویان

شاخص	گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	میانگین	کل
اقتصادی	جذب سرمایه های پراکنده	۳۲	۱۳	۸۴	۱۲۵	۸۵	۲	۳,۶۴
	دسترسی به انواع بذرها	۴۹	۱۳	۷۰	۷۹	۱۲۹	۱	۳,۶۶
	دسترسی به وام ها و اعتبارات بانکی	۴۹	۱۷	۷۵	۸۶	۱۱۴	۰	۳,۵۸
	تنوع در فعالیت های اقتصادی	۱۲۵	۵	۱۲	۷۵	۱۲۴	۰	۳,۱۹
	افزایش درآمد خالص حاصل از کشاورزی	۱۲۰	۴	۹	۷۵	۱۳۲	۱	۳,۲۷
	توسعه فرصت های شغلی	۲۰	۱۶	۷۲	۱۲۹	۱۰۳	۱	۳,۸۲
	افزایش کل تولیدات مزرعه ای	۱۱۸	۵	۱۰	۸۱	۱۲۶	۱	۳,۲۷
	گسترش بازار برای فرآورده های کشاورزی	۱۴۵	۴	۸	۵۴	۱۳۰	۰	۳,۰۵
	افزایش پس انداز های خانوارهای روستایی	۴۵	۶	۸۴	۸۳	۱۲۳	۰	۳,۶۸
	کاهش هزینه های تولید	۱۱۲	۵	۹	۷۷	۱۳۸	۰	۳,۳۶
اجتماعی و فرهنگی	رضایت از شغل کشاورزی	۱۴۹	۵	۱۰	۷۱	۱۰۶	۰	۲,۹۴
	احساس عدم محرومیت و تعلق مکانی	۶۲	۵	۵۵	۸۲	۱۳۶	۱	۳,۶۶
	ارتقای سطح آموزشی	۹۳	۵	۵	۵۸	۱۷۹	۱	۳,۶۶
	افزایش حس همکاری و مشارکت	۱۶۱	۵	۳	۴۹	۱۲۲	۱	۲,۹۰
	افزایش مهارت های مدیریتی	۸۹	۵	۸	۷۲	۱۶۶	۱	۳,۶۵
	حفاظت و حمایت از سلامت مردم	۹۹	۴	۱۰	۶۶	۱۶۲	۰	۳,۵۵
	همخوانی بیشتر با فرهنگ بومی منطقه	۳۵	۰	۵۹	۱۶۲	۸۵	۰	۳,۷۶
	برانگیختن حس پیشرفت	۸۰	۴	۱۰	۷۹	۱۶۸	۰	۳,۱۳
	ارتقای حس مسئولیت پذیری	۷۹	۴	۱۰	۷۸	۱۷۰	۰	۳,۱۵
	رضایت از آینده شغلی	۷۰	۷	۲۰	۸۶	۱۵۸	۰	۳,۷۴
زیست محیطی	استفاده از کود حیوانی جهت تقویت خاک	۱۴	۶۶	۸۸	۹۵	۷۸	۰	۳,۴۶
	استفاده از روش تلفیق دام و زراعت	۵	۴۱	۱۱۰	۸۵	۱۰۰	۰	۳,۶۸
	تنظیم زمان کشت و برداشت	۴	۱۴	۷۹	۱۶۷	۷۷	۰	۳,۸۷
	استفاده صحیح از میزان کود توصیه شده	۲۸	۱۳	۱۲۵	۱۰۱	۷۴	۰	۳,۵۲
	استفاده از روش جنگل زراعی	۸۷	۱۷	۶۳	۸۵	۸۹	۰	۳,۲۱
	کاشت کود سبز جهت حاصلخیزی خاک	۱۱۰	۴	۲۰	۷۷	۱۲۹	۱	۳,۳۲
	شخم عمود بر شیب جهت جلوگیری از فرایش	۴	۱۴	۱۰۷	۱۳۵	۸۰	۱	۳,۰۶
	استفاده از تکنولوژی مناسب	۱۰۵	۵	۲۲	۸۱	۱۲۷	۱	۳,۳۵
	عدم استفاده از سموم شیمیایی	۱۵۲	۱۱	۱۰	۵۶	۱۱۱	۱	۲,۸۹
	حفظ تنوع زیستی و ژنتیکی گیاهان	۴	۲۰	۷۴	۱۳۳	۱۰۹	۱	۳,۹۵
	عدم سوزاندن کاه و کلش به جا مانده از برداشت	۸۱	۱۰	۱۴	۸۵	۱۵۰	۱	۳,۶۲
	استفاده از مبارزه تلفیقی	۱۳۵	۱۲	۱۲	۵۸	۱۲۳	۱	۳,۰۶
	محافظت کمی و کیفی آب	۸۷	۱۰	۷۰	۶۹	۱۰۵	۰	۳,۲۷
	استفاده از تناوب زراعی	۸۴	۱۰	۱۲	۸۴	۱۵۱	۰	۳,۶۱

۳,۰۹	۱	۱۱۴	۷۵	۱۲	۸	۱۳۱	استفاده مناسب از میزان بذر در سطح
۲,۵۹	۱	۸	۸۵	۶۰	۱۲۵	۶۲	استفاده از کودهای ریز مغز
۲,۹۱	۱	۱۰	۶۶	۱۹۱	۹	۶۴	استفاده از شخم حداقل
۳,۱۸	۱	۱۳۱	۶۳	۱۰	۱۰	۱۲۶	استفاده از آیش

۳-۵ یافته‌های استنباطی

۳-۱-۵ تبیین میزان معناداری اثرگذاری شاخص‌های توانمندسازی بر کشاورزی پایدار

به منظور ارزیابی و تحلیل اثرگذاری توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها به تفکیک شاخص بر رعایت اصول و روش‌های کشاورزی پایدار، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردیده است. نتایج این آزمون با مطلوبیت عددی ۳ مورد آزمون از طیف لیکرات و همچنین در سطح ۹۹ درصد اطمینان نشان می‌دهد که شاخص‌های توانمندسازی موثر بر کشاورزی پایدار در منطقه مورد مطالعه بوده است. چرا که بر اساس نتایج، آماره‌های آزمون به صورت مثبت و سطح معناداری شاخص‌ها کمتر از ۰,۰۱ درصد ارزیابی گردیده است. این امر بر اساس قواعد آزمون T تک نمونه‌ای نشان از معناداری و اثرگذاری مثبت توانمندسازی بر کشاورزی پایدار دارد. بر اساس نتایج، از میان ۵ شاخص توانمندسازی بیشترین تاثیر را شاخص خودتعیینی با آماره کلی ۶,۰۲۲ و کمترین تاثیرپذیری را شاخص معنی داری با آماره ۳,۳۲۵ داشته است. شاخص تاثیر با آماره کلی ۵,۹۶۳ در رتبه دوم تاثیرگذاری بر کشاورزی پایدار، شاخص اعتماد با آماره ۵,۹۶۰ در رتبه سوم تاثیرگذاری و در نهایت شاخص شایستگی با آماره ۴,۲۷۵ در رتبه چهارم از تاثیرگذاری شاخص‌های توانمندسازی بر کشاورزی پایدار قرار داشته است (جدول ۳).

جدول (۳): سنجش اثرگذاری شاخص‌های توانمندسازی بر کشاورزی پایدار در منطقه مورد مطالعه

مطلوبت عددی مورد آزمون ۳		اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره آزمون	شاخص
فاصله اطمینان ۹۹٪	حد پایین				
۰,۵۲۹۹	۰,۲۶۸۹	۰,۳۹۹۴۱	۰,۰۰۰	۶,۰۲۲	خودتعیینی
۰,۳۴۶۴	۰,۰۸۸۹	۰,۲۱۷۶۵	۰,۰۰۱	۳,۳۲۵	معنی داری
۰,۴۱۲۳	۰,۱۵۲۴	۰,۲۸۲۳۵	۰,۰۰۰	۴,۲۷۵	شایستگی
۰,۶۲۰۱	۰,۳۱۲۵	۰,۴۶۶۲۸	۰,۰۰۰	۵,۹۶۳	تاثیر
۰,۴۶۴۱	۰,۲۳۳۸	۰,۳۴۸۹۷	۰,۰۰۰	۵,۹۶۰	اعتماد

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

۳-۲-۵ سنجش میزان تاثیرپذیری ابعاد کشاورزی پایدار از شاخص‌های توانمندسازی

با توجه به مشخص شدن اثرگذاری مثبت توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها بر کشاورزی پایدار در شهرستان ابرکوه در مبحث قبل؛ در این مرحله به منظور سنجش میزان تاثیرپذیری هر یک از ابعاد کشاورزی پایدار در شهرستان ابرکوه از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردیده است. نتایج این آزمون در سطح ۹۹ درصد اطمینان و با در نظر گرفتن مطلوبیت عددی ۳ مورد آزمون نشان می‌دهد که تاثیرپذیری ابعاد کشاورزی پایدار از شاخص‌های توانمندسازی مثبت بوده است. به عبارتی توانمندسازی موثر بر ابعاد کشاورزی پایدار در منطقه مورد مطالعه بوده است. بر اساس نتایج تمامی آماره‌های آزمون به

صورت مثبت و سطح معناداری ابعاد کمتر از ۰,۰۱ درصد ارزیابی گردیده است. از میان ابعاد مورد مطالعه بیشترین تاثیرپذیری کشاورزی پایدار از شاخص های توانمندسازی مربوط به بعد زیست محیطی با آماره ۶,۷۴۷ و کمترین تاثیرپذیری مربوط به بعد اجتماعی با آماره ۳,۳۳۳ بوده است. آماره بعد اقتصادی نیز برابر با ۶,۵۴۰ به دست آمده است (جدول ۴).

جدول (۴): میزان تاثیرپذیری ابعاد کشاورزی پایدار از توانمندسازی با استفاده از آزمون T تک نمونه ای

مطلوبت عددی مورد آزمون ۳					شاخص
فاصله اطمینان ۹۹٪		اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره آزمون	
حد بالا	حد پایین				
۰,۷۶۵۱	۰,۴۱۱۳	۰,۵۸۸۲۴	۰,۰۰۰	۶,۵۴۰	بعد اقتصادی
۰,۷۸۰۲	۰,۴۲۸۰	۰,۶۰۴۱۱	۰,۰۰۰	۶,۷۴۷	بعد زیست محیطی
۰,۵۰۹۸	۰,۱۳۱۴	۰,۳۲۰۵۹	۰,۰۰۱	۳,۳۳۳	بعد اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

۳-۳-۵ رابطه توانمندسازی و کشاورزی پایدار در منطقه مورد مطالعه

به منظور سنجش روابط آماری توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها و کشاورزی پایدار در شهرستان ابرکوه، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان دهنده وجود تفاوت معنادار آماری میان متغیر مستقل (میزان توانمندی اعضای تعاونی‌های شهرستان مورد مطالعه) و متغیر وابسته یعنی کشاورزی پایدار می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بر اساس میزان توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها، تفاوت معناداری در شاخص کل کشاورزی پایدار به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان توانمندسازی میزان تبعیت از اصول کشاورزی پایدار نیز افزایش پیدا می‌کند. میزان این همبستگی برابر با ۰/۷۳۳ به دست آمده که در اینجا نشان از شدت رابطه مابین دو متغیر مستقل و وابسته تحقیق دارد (جدول ۵).

جدول (۵): روابط آماری توانمندسازی و کشاورزی پایدار

کشاورزی پایدار	توانمندسازی	متغیر
*۰,۷۳۳	۱	توانمندسازی
۰/۰۰۰		همبستگی پیرسون
		سطح معنی داری
۱	*۰,۷۳۳	کشاورزی پایدار
	۰/۰۰۰	همبستگی پیرسون
		سطح معنی داری

*. سطح معنی داری آزمون ۰,۰۱

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش جهت تحلیل اثرگذاری شاخص‌های توانمندسازی به تفکیک بر کشاورزی پایدار از ۲۴ گویه توانمندسازی در قالب ۵ شاخص و جهت سنجش تأثیرپذیری اصول کشاورزی پایدار از توانمندسازی در منطقه مورد مطالعه از ۳۸ گویه در قالب سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی استفاده گردیده است که پس از بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده، نتایج زیر حاصل گردید:

به منظور پاسخ به سؤال اول پژوهش از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردید. نتایج این آزمون در سطح ۹۹ درصد اطمینان نشان داد که توانمندسازی اعضای تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشاورزی اثر معناداری بر مطلوبیت اصول کشاورزی پایدار در شهرستان ابرکوه داشته است. چرا که تمامی گویه‌های مورد مطالعه در سطح معناداری ۰,۰۱ قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج این آزمون بیشترین تأثیرپذیری کشاورزی پایدار از گویه‌های شاخص خودتعیینی با آماره کلی ۶,۰۲۲ بوده است.

نتایج این آزمون برای سنجش تأثیرپذیری هر یک از ابعاد مرتبط با اصول کشاورزی پایدار در شهرستان مورد مطالعه از توانمندسازی نشان می‌دهد که بعد زیست محیطی با آماره ۶,۷۴۷ بیشترین تأثیرپذیری را از شاخص‌های توانمندسازی داشته است. این در حالی است که بر اساس نتایج توصیفی پژوهش مشخص گردید که بعد زیست محیطی از میان ابعاد پایداری کشاورزی با میانگین ۳,۱۸ در پایین‌ترین سطح پایداری قرار داشته است.

در نهایت به منظور سنجش روابط آماری مابین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج این ضریب در سطح ۹۹ درصد اطمینان نشان می‌دهد که مابین توانمندسازی و اصول و ابعاد کشاورزی پایدار در منطقه مورد مطالعه رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

۷. منابع و مآخذ

۱. آبتین، عبدالعزیز (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی منابع انسانی کسب و کارهای کوچک و متوسط، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۲، صص ۴۴-۵۸.
۲. ابراهیم زاده، خلیل (۱۳۸۷)، ارزشیابی تعاونی‌های تولید روستایی با تأکید بر نظام بازاریابی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۳. احدیان، امید، شاکر اردکانی، رضا (۱۳۹۱)، تقویت مدیریت محلی، راهکاری در جهت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محمود آباد اصفهان)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۳، صص ۳۲۶-۳۱۱.
۴. ایروانی، هوشنگ، دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۳)، اندازه‌گیری، تحلیل و تبیین پایداری واحدهای بهره‌بردار (مطالعه موردی: گندم کاران استان تهران)، مجله‌ی علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۵، شماره ۱، صص ۵۲-۳۹.
۵. بسحاق، محمدرضا (۱۳۹۰)، تحلیلی بر توسعه‌ی روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان ازنا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان دانشکده‌ی جغرافیا و علوم برنامه‌ریزی.

۶. بسحاق، محمدرضا، تقدیسی، احمد، طوسی، رمضان (۱۳۹۱)، ارزیابی تعیین کننده های پایداری در نظام کشاورزی (مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره دوم، صص ۱۳۰-۱۱۳.
۷. تقدیسی، احمد، بسحاق، محمدرضا (۱۳۸۹)، چالش های کشاورزی و تأثیر آنها بر جمعیت روستایی با تأکید بر تغییرات سطح زیر کشت (مطالعه موردی: دهستان سیلاخور شرقی - شهرستان ازنا)، فصلنامه ی پژوهش های روستایی، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۳۷.
۸. حاجی رحیمی، محمود، ترکمانی، جواد (۱۳۸۲)، بررسی نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران (کاربرد الگوی تحلیل مسیر)، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۱، صص ۹۰-۷۱.
۹. حسن شاهی، هاجر، ایروانی، هوشنگ، کلانتری، خلیل (۱۳۸۸)، ارزیابی وضعیت سطوح حفظ پایداری نظام زراعی گندم کاران تحت پوشش تعاونی های تولید استان فارس، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۳۵.
۱۰. حسینی، فرج الله، شریعتی، محمدرضا (۱۳۸۲)، نگرش ها و نیازهای آموزشی مروجان، مجله جهاد، سال بیست و سوم، شماره ۲۵۸، صص ۳۱-۲۵.
۱۱. حیاتی، داریوش، کرمی، عزت ... (۱۳۷۵)، تدوین شاخصی جهت سنجش پایداری نظام های زراعی به منظور کاربرد در پژوهش های اقتصادی - اجتماعی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران (جلد دوم)، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۶۴۹-۶۳۴.
۱۲. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۲)، بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی شهرستان اهر، فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، سال ۱۳، شماره ۴۱، صص ۱۷۰-۱۵۵.
۱۳. رضایی مقدم، کورش، کرمی، عزت الله (۱۳۸۵)، ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: کاربرد تحلیل مسیر، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱، صص ۵۵ تا ۷۱.
۱۴. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی، فرج زاده، منوچهر، حیدری ساربان، وکیل (۱۳۸۸)، نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی (مطالعه موردی: استان اردبیل)، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۰۳-۸۷.
۱۵. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)، نقش روستا در امنیت غذایی، خلاصه مقالات همایش کشاورزی و توسعه ملی، تهران، انتشارات موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، صص ۱۰۲۱-۹۸۳.
۱۶. سودمند، علی، نصرزاده، مهدی (۱۳۸۶)، توانمندسازی منابع انسانی، گامی بلند در اجرای اثربخش مدیریت عملکرد، سومین کنفرانس ملی مدیریت عملکرد، جهاد دانشگاهی، مرکز همایش های علمی، صص ۲۴-۱.
۱۷. صدقاتی، محمد (۱۳۷۱)، سیستم های کشاورزی پایدار و نقش آن در حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی، مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویجی کشاورزی ایران، سازمان ترویج کشاورزی.

۱۸. صیدایی، سید اسکندر، قنبری، یوسف، جمینی، داود، بسحاق، محمدرضا (۱۳۹۲)، *سنجش پایداری کشاورزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان روانسر)*، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۶، صص ۱۰۶-۸۷.
۱۹. علیپور، حسن، فلاح، ربیع، مقدس فریمانی، شهرام (۱۳۸۷)، دانش و گرایش محققان سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی نسبت به کشاورزی پایدار، فصلنامه پژوهش و سازندگی، شماره ۸۱، صص ۱۱۹-۱۱۰.
۲۰. محدث کسایی، سهیلا (۱۳۸۷)، شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان، انتشارات ویرایش.
۲۱. مطیعی لنگرودی، سید حسن، شمسایی، ابراهیم (۱۳۸۶)، توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۲، شماره ۲، صص ۱۰۴-۸۵.
۲۲. نوری، سید هدایت الله، امینی فسخودی، عباس (۱۳۸۶)، سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی (مناطق روستایی استان اصفهان)، فصلنامه علوم کشاورزی ایران، شماره ۲، صص ۷۵-۶۳.
۲۳. وتن، دیوید آلد، کیماس، کمرون (۱۳۸۳)، تواناسازی کارکنان و تفویض اختیار، ترجمه بدارالدین اورعی یزدانی، چاپ دوم، کرج، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
۲۴. وثوقی، منصور، حبیبی، سونا (۱۳۹۳)، دانش بومی؛ گامی به سوی توسعه روستایی و توانمندسازی روستاییان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره دوم، شماره ۴، صص ۲۶-۹.
25. Andrews, (2007), *the Influence of Empowerment and Job Enrichment on Employee Loyalty in Downsizing Environment, Group Organ Management*, p. 57.
26. Christou, L. (2005), "Agricultural organization debt adjustment: The role of the state. The Agricultural Organization and of the Agricultural Bank of Greece". *Sineteristiki Poria*, 17 (2), 232-251.
27. Coetee, G. K., (2004), *Agricultural Development Banks in Africa, the Way Forward, Nairobi*, pp. 23-24.
28. D'Silva, J. L., Man, N., Hayrol Azril. M. S. (2011). "Acceptance of Sustainable Agricultural Practices: The Case of Crop Farmers", *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, Vol. 6, No. 2, PP. 227- 230.
29. Daizavandi, S., Ansari, H., & Azkia, M. (2010). "Survey of staff amount from rural cooperatives social and economic performance, Case Study: Mashhad country rural cooperatives". *Journal of Jihad (Jihad Ministry Publishing)*, 21 (2), 63-89.
30. Den Biggelaar, C. & Suvedi, M. (2000). "Farmers' Definitions, Goals, and Bottlenecks of Sustainable Agriculture in the North-Central Region", *Journal of Agriculture and Human Values*, Vol. 17, PP. 347- 358.
31. Dwertink, K., Singh, J., Buiyens, D., (2004). *Psychological Empowerment in the Workplace: Reviewing the Empowerment Effects on Critical Work Outcomes*, pp. 20-21.
32. Evans, E. N., (2003), *Liberation Theology, Empowerment Theory and Social Wor Practice with the Oppressed International Social Work*, pp. 35-40.
33. Fazelbaigi, M.M & Yavari GH. R., (2009), "the Role of Cooperatives in Entrepreneurship Development", *Ta'avon*, Vol. 204- 205, PP. 42-62.
34. Forrester, (2005), *All Teams Are Created Equal: How Employee Empowerment Really Works*, Sage, New Berry Park, CA, p. 67.
35. Gafsi, M., Legagneux, B., Nguyen, G., Robin, P., (2006), "towards sustainable farming systems: Effectiveness and deficiency of the French procedure of sustainable agriculture", *Journal of Agricultural Systems*, Vol. 90, pp 226-242.

36. Hansen, E., (2005), "Agricultural development among poor farmers in Soroti district, Uganda: Impact assessment of agricultural technology, farmer empowerment and changes in opportunity structures", Danish Institute for International Studies, Mexico, 19- 21 October, pp1- 10.
37. Ivens, J., (2010), "Does increased water access empower woman"? *Development*, pp 23-43.
38. Karami, E. (1995). "Agricultural Extension: The Question of Sustainable Development in Iran", *Journal of Sustainable Agriculture*, Vol. 5, No (1/2), PP. 61–72.
39. Karami, E., Mansoorabadi, A. (2008). "Sustainable Agricultural Attitudes and Behaviors: a Gender Analysis of Iranian Farmers", *Journal of Environment, Development and Sustainability*, Vol. 10, PP. 883-898.
40. Nepal Human Development Report. (2001). *Empowerment- the Enterprise of Development*, [online], <<http://www.undp.org.np/publication/html/nhdr2001/notes.pdf>>, [5/12/2009].
41. Richardson, D., (2006), *the Internal and Rural and Agricultural Development*, FAO: Rome, Communication for Development, p. 80.
42. Sadati, S. A., Shaabanali Fami, H., Asadi, A., Sadati, S. A. (2010). "Farmer's Attitude on Sustainable Agriculture and its Determinants: A Case Study in Behbahan County of Iran", *Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology*, Vol. 2, No. 5, PP.422- 427.
43. Sigler, Honeycutt & Pearson, Christine M. (2000) «Creating an Empowerment Culture: Examine the Relationship between Organizational Culture and Perception of Empowerment», *journal of quarterly management*, Vol.5: 27-52.
44. Spreitzer, G. M. (1995). "Psychological empowerment in the workplace: Construct definition, measurement and validation". *Academy of Management Journal*. Vol. 38, No. 5: 1442- 1465.
45. Storey, D., (2007), *Issues of Integration, Participation and Empowerment in Rural Development: The Case of LEADER in the Republic of Ireland* Geography Department and Center for Rural Research, University of Cambridge, pp. 3-6.
46. Wang F.W., (2005), *Study on the Sustainable Development Indicator System and its Application for Evaluation of Regional Agro-ecosystems*, *Journal of National Resources*, p. 443.
47. Ziaee, M. S., Nargesian, A. and Aibaghi-e Esfahani S., (2008), "The Role of Spiritual Leadership on Human Resource Empowerment in the University of Tehran", *Iranian Public Administration*, Vol. 1, No. 1, PP. 67-76.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی